
همگرایی اروپایی و جایگاه سیاست‌های فرهنگی در ساختار نهادی - سازمانی اتحادیه اروپا (با نگاه به آینده)

رضا حقیقی*

دیباچه

تا پیش از انعقاد پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲، جامعه اروپا رویکرد منسجمی در خصوص مسائل فرهنگی در چارچوب همگرایی اروپایی نداشت. برنامه‌هایی به صورت جسته‌گریخته و تحت عنوان فعالیت‌های ابتکاری فرهنگی این نهاد، گه‌گاه از سوی جامعه اروپا ارائه می‌شدند. با لازم‌الاجرا شدن پیمان ماستریخت در یکم نوامبر ۱۹۹۳ و ذکر عنوان «ساماندهی همکاری‌های فرهنگی و ضرورت شکوفایی فرهنگ

* رضا حقیقی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای از دانشگاه تهران است.

(re_haghighi@yahoo.com)

پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۱

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال ششم، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۷۲-۱۵۵.

دولت‌های عضو جامعه اروپا» در ماده سه این پیمان، فصل جدیدی از سیاست‌های فرهنگی در برابر کشورهای عضو این مجموعه گشوده شد. به‌علاوه، رفته‌رفته نوعی گرایش به سمت روابطی صمیمانه‌تر میان ملت‌های اروپایی شکل گرفت که تبلور آن را در رکن سوم این پیمان با عنوان مسائل شهروندان و تدابیر داخلی می‌توان مشاهده کرد.

با اختصاص ماده ۱۲۸ پیمان ماستریخت به مسائل فرهنگی، این رویکرد به عنوان یک هدف شناخته‌شده با پشتوانه حقوقی معتبر، (در میان سایر موضوعات) از جایگاه مناسبی در جامعه اروپایی برخوردار گردید. پس از آن، این ماده به همان صورت در بند ۱۵۱ معاهده آمستردام در سال ۱۹۹۷ مجدداً گنجانده شد. علاوه بر این، پاراگراف چهارم معاهده آمستردام در سال ۱۹۹۷ مجدداً گنجانده شد. علاوه بر این، پاراگراف چهارم معاهده آمستردام خاطرنشان کرده بود که مسئله فرهنگ و توجه به تکثر فرهنگی بایستی در تمامی سیاست‌های اتحادیه و در قالب احترام به حقوق دیگران مطمح نظر قرار گیرد.

این ماده، همچنین مؤسسات مختلف را قانوناً ملزم به بررسی پیامدهای فرهنگی مجموعه سیاست‌های اتخاذی اتحادیه اروپا کرده بود. براساس ماده ۱۵۱ پیمان آمستردام (۱۲۸ ماستریخت)، نخستین نسل از برنامه‌های فرهنگی، ابتدا به صورت نمونه (پیلوت) و سپس به صورت مجموعه فعالیت‌های مشترک از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ وارد عرصه اجرایی گردیدند. در ژوئیه ۱۹۹۰ کمیون اروپا معیارهای انتخاب و شرایط مشارکت در «عرصه اروپایی فرهنگی» را اعلام نمود که در سال ۱۹۹۱ به اجرای آزمایشی اولین برنامه فرهنگی با عنوان کالیدوسکوپ انجامید. این برنامه حمایت آثار هنری و فرهنگی را با شرکت حداقل سه کشور اروپایی به عهده داشت و در سال ۱۹۹۴ به منظور پشتیبانی مؤثر از آثار هنری و تشویق خلاقیت‌ها و تعاملات فرهنگی شبکه‌ای و نیز با هدف تسهیل دسترسی ملت‌ها به میراث‌های اروپایی و اصلاح همکاری‌های فرهنگی، هنری و تخصصی، مجدداً سازماندهی

گردید. کمیسیون اروپایی همچنین در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ پروژه‌های متعددی را به صورت نمونه‌های راهبردی و آزمایشی در زمینه‌های ترجمه و ارتقاء صنعت چاپ و نشر کتاب در اروپا راه‌اندازی نمود که امکان حمایت از بیش از ۵۰۰ فقره تألیف یا ترجمه را فراهم می‌کرد. این تجربیات، زمینه را برای عملیاتی نمودن سه برنامه فرهنگی «کالیدوسکوپ»، «آریان» و «رافائل»، در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ مهیا کردند (http://ec.europa.eu/our-programs-and-actions/doc419_fr.htm). که ذیلاً به اختصار به شرح آنها می‌پردازیم.

برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی اتحادیه اروپا از آغاز تا کنون و نگاه به آینده

۱- برنامه‌های کالیدوسکوپ، آریان^۱ و رافائل^۲

برنامه کالیدوسکوپ در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۹۶ به وسیله پارلمان اروپایی و شورای وزیران برای یک دوره سه ساله (۱۹۹۶-۱۹۹۸) و با بودجه‌ای بالغ بر ۲۶/۵ میلیون یورو تصویب شد و سپس با اختصاص ۱۰/۲ میلیون یورو اعتبار، مجدداً به مدت یک‌سال دیگر (۱۹۹۹) تمدید گردید. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد پیش از این، پروژه‌های متعددی نیز به صورت آزمایشی و به عنوان پیش‌زمینه ورود به مرحله اجرای این برنامه انجام شده بود.

بخش‌های مورد حمایت در چهارچوب برنامه کالیدوسکوپ عبارت بودند از: هنرهای نمایشی (شامل تئاتر، موسیقی، اپرا، و رقص)، هنرهای تجسمی و دیداری (نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و کنده‌کاری)، هنرهای کاربردی (طراحی، عکاسی) و همچنین پروژه‌های مرتبط چندرسانه‌ای به عنوان صورتی از ارائه هنرهای کاربردی (طراحی، عکاسی) و همچنین پروژه‌های مرتبط چندرسانه‌ای به عنوان صورتی از ارائه هنرها.

1. Kaledioscope
2. Arian
3. Raphael

http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/kaledioscope_fr.html

آریان برنامه‌ای برای تقویت بخش کتاب، کتابخوانی و ترجمه در اروپا بود که برای مدت دو سال (۱۹۹۷-۹۸) با ۷ میلیون یورو اعتبار به تصویب رسید و با بودجه ۱/۴ میلیون یورویی برای یک‌سال دیگر (۱۹۹۹) نیز تمدید گردید. در مجموع، آریان ۷۶۷ اثر ادبی، نمایشی و مرجع را حمایت نمود و همچنین اعطای جایزه ادبی ترجمه اروپایی، تحت عنوان جایزه آریستون^۱ را در دستور کار داشت. آریان دو هدف فرهنگی عمده ذیل را دنبال می‌کرد:

۱. تشویق همکاری‌های فرهنگی میان کشورها عضو اتحادیه اروپا در زمینه کتاب و کتابخوانی و کمک به شکوفایی فرهنگی در این بخش با پذیرش اصل تنوع و تکثر ملی و منطقه‌ای.

۲. ارتقاء سطح آگاهی و شناخت ملت‌های اروپایی و اشاعه آثار ادبی، تاریخی، نمایشی و مرجع به کمک ترجمه

http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/ariane_fr.html

برنامه رافائل با هدف اجرای سیاست‌های اتحادیه درخصوص «میراث فرهنگی اروپایی» برای یک دوره چهارساله (۱۹۹۷-۲۰۰۰) و با تخصیص اعتباری معادل ۳۰ میلیون یورو تدوین گردید. ارتقاء و تشویق همکاری‌ها در راستای محافظت، نگهداری و ارزش بخشیدن به میراث فرهنگی اروپایی، حساس کردن شهروندان اروپایی به میراث فرهنگی خود و افزایش قابلیت دسترسی عموم به این دستاوردهای مشترک، فعالیت‌هایی بود که در چهارچوب برنامه رافائل به اجرا درآمدند. بخش‌های اصلی تحت پوشش رافائل را میراث‌های منقول و غیرمنقول شامل موزه‌ها، کلکسیون‌ها، کتابخانه‌ها، آرشیوهای عکاسی و سینمایی، بناهای تاریخی و باستانی و حتی مناظر طبیعی و فرهنگی تشکیل می‌دادند. این برنامه امکان پشتیبانی از ۳۶۰ پروژه حفاظتی با مشارکت ۱۵۰۰ نفر دست‌اندرکار از سرتاسر اروپا را مهیا نمود.

1. Ariston pix

۲- اقدام تدارکاتی برای برنامه فرهنگ ۲۰۰۰:

با پایان یافتن برنامه‌های کالیدوسکوپ، آریان و رافائل، در ژوئن ۱۹۹۹ کمیسیون اروپایی به منظور تدارک برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ فراخوانی را برای فعالیتهای آزمایشی در این خصوص منتشر نمود. اتحادیه اروپا برای اجرای این برنامه بالغ بر ۶ میلیون یورو اعتبار در قالب ۵۵ پروژه در نظر گرفت. از میان ۴۱۰ درخواست ارائه شده برای شرکت در این برنامه ها، کمیسیون اروپایی با نظر کارشناسان و متخصصان مستقل فرهنگی تعداد ۵۵ فقره پرونده (مورد نظر) را انتخاب نمود. بیش از ۲۷۰ نفر کارشناس و مجری خبره نیز از کشورهای مختلف عضو اتحادیه برای اجرای این برنامه استخدام شدند. در جریان مذاکرات برای فعالیتهای نمونه (پیلوت) سه دسته برنامه انتخاب گردیدند. فعالیتهای نخست پروژههای ابتکاری خاص در باب مقوله فرهنگ را تشکیل می‌دادند. دسته دوم پیشنهادات نوآوری‌هایی بودند که در زمینه همکاری‌های چندساله مشترک میان کشورهای عضو اتحادیه ارائه می‌شدند و نهایتاً با توجه به دویست و پنجاهمین سال مرگ ژان سباستین باخ شخصیت هنری برجسته آلمانی و اروپایی، طرحی به منظور بزرگداشت وی در قالب شناخت آثار او در سال ۲۰۰۰ اجرا گردید.

http://eu/culture/archive/culture2000/historique/prep_action_fr.html

۳. برنامه فرهنگ ۲۰۰۰:

برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ براساس تصمیم شماره ۵۰۸ پارلمان و شورای اروپایی در تاریخ چهاردهم فوریه ۲۰۰۰ تصویب گردید. فرهنگ ۲۰۰۰ که در واقع برنامه‌های گذشته کالیدوسکوپ، آریان و رافائل را یکجا گرد هم آورده است، ارتقاء سطح تعاملات، شناخت تدریجی و خلق و اشاعه آثار بدیع فرهنگی، انتقال آسان هنرمندان و آثار آنها در گستره اتحادیه اروپا، توجه به میراث فرهنگی اروپایی، شیوه‌های جدید ارائه فرهنگ‌ها و همچنین کارکردهای اقتصادی اجتماعی فرهنگ را مدنظر داشته و از پروژه‌های مشترک میان کشورها حمایت به عمل می‌آورد. برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ که از

اول ژانویه این سال کلید خورده بود تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶ ادامه داشت. کمیسیون اروپایی مسئول اجرای این برنامه بود و به واسطه یک کمیته مشورتی به برگزاری آن کمک می‌کرد. دولت‌های عضو اتحادیه می‌توانستند با استفاده از مساعدت‌های کمیسیون اروپایی جهت افتتاح دفاتر ارتباطات فرهنگی موسوم به PCC^۱ در راستای اجرای برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ در کشور خود- اقدام نمایند. این مراکز، مسئولیت بهبود کیفی، تشویق مشارکت عمومی، تسهیل دسترسی مردم و حمایت از مؤسسات فرهنگی مرتبط با این برنامه در کشورشان را عهده دار بودند. بودجه تخصیصی اجرای برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ برای مدت زمانی هفت ساله ۲۳۶/۵ میلیون یورو برآورد گردیده که ۴۵ درصد آن ابتکارات و نوآوری‌ها اختصاص داده شده بود.

http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/cult_2000_fr.html

۴- برنامه فرهنگ ۲۰۱۳-۲۰۰۷:

برنامه فرهنگ ۲۰۱۳-۲۰۰۷ براساس پیشنهاد مورخه چهاردهم ژوئیه ۲۰۰۴ پارلمان و شورای اروپایی تدوین گردیده است. این برنامه که ادامه برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ و به مراتب کامل تر از آن است، از اول ژانویه ۲۰۰۷ آغاز شده و تا پایان دسامبر سال ۲۰۱۳ تداوم خواهد یافت. برآورد اولیه کمیسیون اروپایی از هزینه این برنامه، چیزی در حدود ۴۰۸ میلیون یورو است. «فرهنگ ۲۰۰۷ سه هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست؛ تسهیل جریان انتقال و گردش آثار هنری و محصولات فرهنگی در فراسوی مرزهای ملی. دوم؛ حمایت از انتقال و جابجایی متخصصین بخش فرهنگی در سراسر کشورهای عضو اتحادیه (به منظور ترفیع سطح مبادلات و انتقال تجربیات) و سوم؛ ایجاد و ارتقاء گفتگوی میان فرهنگی براساس برابری و همسان‌انگاری فرهنگ‌های مختلف. «فرهنگ ۲۰۰۷، تمهیداتی را برای همکاری با کشورهای ثالث (خارج از اتحادیه) نیز اندیشیده است که در وهله اول کشورهای عضو EEA^۲ منطقه آزاد اقتصادی اروپا

1. Points de contact culturels
2. European Economic Area

مانند ایسلند، نروژ، لیختن اشتاین و سپس کشورهای متقاضی پیوستن به اتحادیه اروپا نظیر؛ ترکیه، کرواسی، یوگسلاوی سابق و در مرحله آخر کشورهای حوزه بالکان غربی را شامل می‌شود. همچنین امکان همکاری با سایر کشورها که با اتحادیه اروپایی پیمان دوجانبه همکاری فرهنگی امضاء نموده‌اند در برنامه فرهنگ ۲۰۰۷ پیش بینی شده است.

کمیسیون اروپایی در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۰ با سپری شدن نیمی از زمان اجرای این برنامه، نخستین گزارش خود را در این خصوص منتشر خواهد کرد. (<http://europ.eu>) (<http://scanplus/leg/fr/lvb/129016.html>).

۵- پایتخت فرهنگی اروپایی:

به منظور ایجاد پیوند و ارتباط بیشتر میان شهروندان اروپایی، نخستین بار با پیشنهاد خانم ملینا مرکوری^۱، شورای وزیران جامعه اروپایی در تاریخ سیزدهم ژوئن ۱۹۸۵ طرح «شهر فرهنگی اروپایی» را به تصویب رساند. (http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/doc433_fr.htm) از آنجا که این اقدام با استقبال گسترده شهروندان اروپایی مواجه گردید و با توجه به موفقیت آمیز بودن فعالیت‌های آن در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، طی بیست سال گذشته، کماکان این برنامه‌ها به قوت خود باقی مانده و اجرا شده شده است. لذا در ۲۵ می ۱۹۹۹ بنا بر تصمیم شماره ۱۴۱۹ پارلمان و شورای اروپایی، (Ibid) این برنامه به پایتخت فرهنگی اروپایی تغییر نام داده و در محتویات و ماهیت اجرای آن نیز، تحولات اساسی به وجود آمد که این تغییرات از سال ۲۰۰۵ به مرحله اجرا گذاشته شده‌اند. از این سال به بعد پایتخت فرهنگی هر ساله به وسیله شورای اروپایی و با توصیه کمیسیون اروپایی (که در واقع نتیجه نظریات کارشناسی یک هیئت بلندپایه داوران و شخصیت‌های متخصص و مستقل مسائل فرهنگی را ارائه می‌دهد) انتخاب می‌شود. همچنین با توجه به اهمیت سمبلیک این برنامه و به منظور اعطای فرصت‌های برابر به کشورهای جدیداً به

1. Melina Mercouri

اتحادیه اروپا ملحق شده یا می‌شوند، پارلمان و شورای اروپایی در نشست شماره ۶۴۹ سال ۲۰۰۵ تغییراتی را در تصمیم سابق خود (۱۴۱۹) به وجود آوردند که به موجب آن به موازات جدول زمانی گذشته برای انتخاب پایتخت‌های فرهنگی، لیست داوطلبین تازه پیوستن به اتحادیه نیز لحاظ می‌گردد. به علاوه کمیسیون، پیشنهاد اصلاح روند انتخاب پایتخت‌ها را داده است که قرار است ظرف ماه‌های آینده در پارلمان اروپایی به بحث گذاشته شود.

این اصلاحات مسائلی چون ایجاد رقابت میان شهرهای علاقمند به کسب این موقعیت، تقویت جایگاه هیئت داوران، مشخص کردن معیارهای انتخاب پایتخت با تأکید بیشتر بر بعد اروپایی آن و جانداختن برنامه‌ای منظم و مداوم در حمایت تدارکاتی از شهرهایی که بدین منظور انتخاب می‌شوند را دربرمی‌گیرد. (Ibid)

برنامه پایتخت فرهنگی اروپا به شهرهای اروپایی این فرصت را می‌دهد تا در مدت زمانی یکساله برنامه‌های فرهنگی خود را به اروپاییان عرضه نمایند. این اقدام موقعیت مناسبی را فراهم می‌کند تا شهرهای مختلف، متنوع، و گوناگون هریک، غنای فرهنگی و مشترکات خود با سایرین را به معرض نمایش بگذارند. (<http://europ.eu/scadplus/leg/fr/lvb/129014/html>)

از سال ۱۹۹۹ به بعد اعتبارات لازم برای اجرای این برنامه در چهارچوب برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ و پس از آن از طریق برنامه فرهنگ ۲۰۰۷ تأمین می‌شود. برنامه فرهنگ ۲۰۰۷ همچنین یک جایزه ویژه کیفیت را نیز برای پایتخت‌های منتخب در نظر گرفته است. (Ibid) کشورهای علاقمند به شرکت در این طرح بایستی از چهار سال قبل درخواست خود را (بامعرفی شهر و یا شهرهایی) به کمیسیون ارائه نمایند. براساس تقویم زمانی سال ۲۰۰۵ اتحادیه اروپا، کاندیداهای ۱۵ سال آینده (۲۰۰۶-۲۰۱۹) همراه با لیست کشورهای متقاضی تازه ملحق شده به اتحادیه، مشخص گردیده‌اند.

۶- سال ۲۰۰۸، سال گفتگوی میان فرهنگی اروپایی:

۱. کمیسیون اروپایی در اکتبر سال ۲۰۰۵ گزارش نشست مشترک پارلمان و شورای

اروپایی به منظور اعلام سال ۲۰۰۸ به عنوان سال گفتگوی میان فرهنگ‌ها با تخصیص اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیون یورو را ارائه نمود. راه اندازی پروژه‌های متعدد فرهنگی، توجه به پذیرش تکثر مذاهب، ادیان و باورها و اختصاص برنامه‌های ویژه آموزشی برای جوانان، رؤس مهم فعالیت‌های این سال بودند. <http://ec.europa.eu/culture/portal/events/current/dialogue2008-fr.html>.

۷- سایر برنامه‌ها و سیاست‌ها:

۲. دامنه برنامه‌های فرهنگی نهادهای اروپایی به قدری گسترده و وسیع است که مجال شرح تمامی آنها در این گفتار نیست. اما افزون بر آنچه ذکر گردیده به طور خلاصه اتحادیه اروپا صرفنظر از تلاش برای تقویت اشتراکات فرهنگی، بیشتر در صدد یافتن راهکارهایی برای حل مشکلات ناشی از تفاوت‌های فرهنگی است. تعقیب سیاست‌های مربوط به تکثر زبانی در اروپا، به رسمیت شناختن زبانهای محلی در مؤسسات وابسته به اتحادیه اروپا در داخل کشورهای عضو، اجرای برنامه‌ای موسوم به کانکت با هدف ارتقاء ارزش‌های دموکراتیک و ترفیع سطح آموزش زبان شهروندان اروپایی با هزینه‌ای بالغ بر ۱۵ میلیون یورو توسط کمیسیون اروپایی در سال ۱۹۹۹،

<http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/act-connect-fr.html>.

انتشار مداوم فراخوان از سوی کمیسیون برای استفاده از عموم آراء، عقاید و تجربیات اروپاییان در اجرای سیاست‌های فرهنگی، ابداع نظام هماهنگ آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به منظور تقویت سطح تعاملات دوجانبه و چندجانبه دانشجویان و تسهیل جابجایی اساتید و پژوهشگران اروپایی در قالب طرح اراسموس و طرح‌های بشمار دیگری از این دست، گوشه‌ای از اقدامات نهادهای اروپایی در عرصه فرهنگ است که نشان از عزم جدی اروپاییان برای تحقق هدف غایی خود یعنی «همگرایی مطلوب» دارد. (www.ambarfrance-ir.org) نکته دیگر اینکه آن دسته از سیاست‌های فرهنگی اتحادیه اروپایی که در چهارچوب برنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه و یا در قبال کشورهای ثالث به اجرا در می‌آیند، با قوت و نظم

و هماهنگی بیشتری در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز دنبال می‌شوند. در واقع اتحادیه اروپا به عنوان نهاد مهم بین‌المللی برای تعامل با سایر نهادها و سازمان‌ها ارزش ویژه‌ای قائل است.

موضوع محصولات و صنایع فرهنگی نیز از جمله مواردی است که لازم است در اینجا به اختصار بدان پرداخته شود. کالاهای فرهنگی علاوه بر اینکه ابزارهای انتقال و اشاعه فرهنگ‌ها به شمار می‌آیند از لحاظ اقتصادی نیز نقش مهمی در اقتصاد کشورهای صادرکننده ایفا می‌کنند. سایمون ماندی در مقاله‌ای تحت عنوان شرایط سیاست فرهنگی پایدار در اروپای غربی، امریکا و استرالیا در این خصوص می‌نویسد:

«هنگامی که توسعه تجاری هدف باشد کالاهای فرهنگی جذاب، خوش ساخت و سهل الوصول در دسترس اعضای کلیه فرهنگ‌های دیگری که قابلیت بهره برداری تجاری در آنها وجود دارد قرار می‌گیرد. این همان چیزی است که جهانی‌سازی نام گرفته است. اگر گروهی آنقدر خوش اقبال باشد که بتواند کالایی فرهنگی با جذابیت جهانی تولید کند (یا آنقدر زرنگ باشد که بتواند چنین وانمود کند)، آنگاه دسترسی جهانی برای گروه، غرور و ثروت به همراه خواهد آورد. سینمای کالیفرنیا، تلویزیون و تئاتر انگلیس، شراب فرانسه، موسیقی آلمان و اوپرای ایتالیا به چنان میزانی از موفقیت جهانی رسیده‌اند که نگرش جهانیان را به کشور سازنده آنها تحت تأثیر قرار داده است.

مسلماً جهانی‌سازی برای کالاهایی که حضوری جهانی پیدا کرده‌اند منفعت بار است اما کالاهایی که رقبایشان به رغم ارزشمند بودن هنوز به موفقیت چندانی دست نیافته‌اند، رقابت جهانی، به ویژه با حذف شدن موانع تجاری و محدود شدن کمک‌های ویژه (حمایت دولتی و یارانه) ممکن است رقیب آفرین و نهایتاً فاجعه بار باشد. بنابراین (با استفاده از همان ملت‌ها برای مثال) تئاتر کالیفرنیا، موسیقی هنری بریتانیا، فیلم فرانسه، نقاشی استرالیا، ادبیات معاصر آلمان و (...) از ناحیه جهانی‌سازی همانقدر احساس خطر می‌کنند که فرهنگ‌های اقلیت همیشه از ناحیه فرهنگ‌های مسلط تر در

اطرافشان احساس کرده اند». (گوردون، ۱۳۸۳:۷۴)

این نگرانی‌ها به حدی است که برخی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی تلاش نموده‌اند تا مباحث مربوط به کالاها و محصولات فرهنگی نیز وارد چتر پوششی مقررات این سازمان گردند. موضوعی که توسط فرانسویان، تحت عنوان استثنای فرهنگی^۱ مطرح گردیده در همین باب است. در این راستا حدود ۳۰ الی ۴۰ کشور با تشکیل بیش از ۲۰۰ مرکز فرهنگی در کشورهای خود به صورت شبکه‌ای با یکدیگر مرتبط گردیده و با توسل به مبحث TRIPS^۲ در مذاکرات مربوط به سازمان تجارت جهانی در صدد دور نگه داشتن خود از تهاجم فرهنگ‌های قوی تر خارجی و تلاش برای ترویج فرهنگ خود هستند (مکتبی فرد، ۱۳۸۱: ۳۴۹-۳۴۷)

سیاست‌های فرهنگی اروپایی و چالش‌های پیش رو:

اروپای باختری در مسیر اتحاد در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی با معضلات زیادی دست به گریبان است. نفس همگرایی و به دنبال آن رفع موانع و برداشته شدن مرزهای جغرافیایی، خود به شناور شدن جریان‌های مختلف فرهنگی انجامیده که می‌تواند زمینه برخورد فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متعارض را فراهم آورد و یا به ایجاد شکاف‌های گسترده فرهنگی، اجتماعی و مذهبی منجر گردد. پدیده مهاجرت که خود قبل از همگرایی اروپایی مطالبات گسترده‌ای را از سوی شهروندان فراروی سیاست گذاران و متولیان یکپارچگی اروپا قرار داده است، خود مسبب تضادها و ناهمگونی‌هایی است که بدون شک جامعه اروپایی را دستخوش ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌هایی نموده است. بی دلیل نیست که امروز اتحادیه با درخواست الحاق کشورهایی چون ترکیه با دیده تردید می‌نگرد و از عواقب آن بیمناک است. به علاوه با به رسمیت شناخته شدن فرهنگ‌ها و مذاهب برخاسته از اجتماعات نوظهور و یا مهاجر، دولت‌های اروپایی در برابر تقاضاهای مختلف نسل‌های جدید مسئولیت دارند و این در حالی است که پاسخگویی

1. exception culturelle
2. Trade Related Intellectual Properties

به این نوع نیازها چشم انداز روشنی از سوی اتحادیه متصور نیست. نا کارآمدی سیاست مهاجرت صفر که با سیاست‌های رفع نیازهای بازار کار اروپایی و ابعاد حقوقی بشردوستانه مقوله پناهندگی ناهمخوانی داشت، شورای اروپایی را وادار نمود در نشست موسوم به تمپر^۱ که در اکتبر سال ۱۹۹۹ در محلی با همین عنوان در کشور فنلاند برگزار گردید، به اتخاذ سیاست‌های مشترک در این خصوص دست یازد که نیازمند اصلاحات و توسعه مستمر بوده و موفقیت آن بستگی به همکاری نزدیک کشورهای عضو دارد.

وضعیت جمعیت اتحادیه اروپا نیز یکی از چالش‌های پیش روی این نهاد است. آمارها حاکی از آن است که جمعیت کاری (بین ۲۰ تا ۶۴ سال) مجموعه کشورهای عضو اتحادیه طی ده سال آینده کاهش خواهد یافت و از ۲۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ به ۲۲۳ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید. در حالی که تعداد افراد بالای ۶۵ سال در اروپا رو به فزونی است. به علاوه شکافهای جنسیتی نیز بر پیچیدگی این مشکلات افزوده است. و قطعاً این مسائل باید در سیاستگذاری‌های مربوط به مقوله مهاجرت نیز لحاظ گردند. (مکتبی فرد، ۱۳۸۱: ۳۴۹-۳۴۷)

مسئله وجود زبان‌های متعدد مانند انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیولی و دهها زبان دیگر نیز از جمله مهم ترین شاخصه‌های تفاوت فرهنگی در بطن اتحادیه اروپاست. اتحادیه از یکسو تنوع زبانی را به مثابه راهکاری برای افزایش و ارتقاء امکان بیان انسان‌ها و رفع محدودیت‌ها تلقی می‌کند و از سوی دیگر به واسطه جریان همگرایی با نوعی نابرابری در جریان توسعه زبان‌ها روبرو است. به عنوان مثال انگلیسی‌ها از اینکه توانسته‌اند از روند همگرایی در جهت اشاعه زبان خود بهره گیرند خرسندند اما بالعکس فرانسویان از این بابت نگرانی‌هایی دارند. علاوه بر این، وجود تعصب زبانی همچنان در میان ملت‌ها وجود دارد به طوری که مبحث تنوع و تکثر زبان‌ها را گاه تا سرحد یک شعار تقلیل داده است.

1. Tamper

نهادهای اتحادیه اروپا و مسائل فرهنگی

۳. نتیجه پژوهش در باب سازمان‌های مسئول و نهادهای مرتبط با مسائل فرهنگی اتحادیه اروپا حاکی از آن است که هر چهار نهاد مهم پارلمان اروپا، کمیسیون اروپایی، شورای اروپایی و شورای وزیران در تصمیم‌سازی‌های فرهنگی نقشی کلیدی دارند. پارلمان اروپایی به واسطه کمیسیون تخصصی خود تحت عنوان «کمیسیون فرهنگ و آموزش» پیگیر مسائل خرد و کلان فرهنگی اتحادیه است. این کمیسیون که از یک رئیس، سه معاون، ۳۱ عضو اصلی، ۳۳ عضو علی‌البدل و ۳ عضو ناظر تشکیل شده است براساس تعریفی که اتحادیه اروپا ارائه داده است در سه حوزه: محافظت از میراث مشترک فرهنگی اروپایی، دفاع از تنوع فرهنگی و زبانی، و اصلاح شناخت ملت‌ها و اشاعه فرهنگ، صلاحیت کارکردی دارد. علاوه بر اینها این کمیسیون درخصوص مسائل آموزشی اتحادیه اروپایی، کمک به ارتقاء سیستم‌های آموزشی مدارس و دانشگاه‌های اروپایی، پشتیبانی از برنامه‌های دیداری- شنیداری، حمایت از جوانان و توسعه سیاست‌های ورزشی، تفریحی و اطلاع‌رسانی رسانه‌ای و نهایتاً همکاری با کشورهای ثالث در زمینه فرهنگ و آموزش و ارتباط با مؤسسات بین‌المللی معتبر نیز مسئولیت دارد. (<http://www.europa.eu/activities/committees/homecom.do?language=FR&body=cult>)

۴. کمیسیون اروپا که از تشکیلات اداری سلسله‌مراتبی وسیعی برخوردار است، به عنوان بازوی اجرایی اتحادیه، بلااستثنا در تمامی برنامه‌های فرهنگی حضوری پررنگ دارد. به عنوان مثال مسئولیت اجرای برنامه‌های جامع فرهنگ ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ و پایتخت فرهنگی اروپایی مستقیماً بر عهده کمیسیون نهاده شده است. انتشار فراخوان طرح‌های اولیه، دریافت، بررسی و انتخاب هیئت‌های ژوری، ارزشیابی پروژه‌های ابتکاری و اعطای پاداش به پروژه‌های موفق نیز در چهارچوب تشکیلاتی این نهاد صورت می‌پذیرد. تصمیمات مأخوذه مشترک پارلمان و شورای اروپایی از طریق کمیسیون منتشر و در اختیار دولت‌ها و شهروندان اروپایی قرار می‌گیرد. در واقع این نهاد، کانال

ارتباطی اتحادیه با شهروندان است. برآورد اولیه از هزینه‌های اجرایی طرح‌های فرهنگی و میزان اعتبار لازم در قالب نهادها و کمیته‌های تخصصی اداری- مالی کمیسیون انجام می‌شود. همچنین پس از انقضای زمان اجرای طرح‌های فرهنگی، کمیسیون اروپایی موظف به ارائه گزارش عملکردها در خصوص میزان موفقیت پروژه‌ها به پارلمان و شورا است. در برخی برنامه‌ها نظیر برنامه فرهنگ ۲۰۰۷ این گزارش پس از گذشت نیمی از زمان اجرا به صورت میان دوره‌ای نیز یکبار منتشر می‌شود. شورای اروپایی نیز در رأس تصمیم‌گیری‌های کلان فرهنگی اتحادیه قرار دارد. تمامی سیاست‌گذاری‌های این شورا با توافق پارلمان در قالب تصمیمات اتخاذی مشترک به کمیسیون ابلاغ می‌شود. همچنین نهاد مستقلی با عنوان «بخش آموزش، جوانان و فرهنگ» در این راستا زیر نظر شورای اروپایی فعالیت داشته و به تدوین سیاست‌های راهبردی در این سه حوزه اشتغال دارد. تغییرات محتوایی در برنامه‌های فرهنگی به منظور اعتلای کیفی سیاست‌ها و ارتقاء سطح کارآمدی آنها با موافقت مشترک شورای اروپایی و پارلمان صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در طرح اصلاح برنامه پایتخت فرهنگی اروپا طی سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۵ این دو نهاد مرجع صلاحیت دار رسیدگی بودند. شورای وزیران نیز در پاره‌ای از موارد مستقیماً در عرصه مسائل فرهنگی پیش قدم گردیده است. مثلاً برنامه کالیدوسکوپ در سال ۱۹۹۶ به وسیله اعضای این شورا و با همکاری پارلمان تصویب گردید.

(http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/kaleidoscope_fr.html)

۵. طرح اولیه شهر فرهنگی اروپا در سال ۱۹۸۵ نیز به واسطه شورای و وزیران ارائه شد که بعداً با تصمیم مشترک پارلمان و شورای اروپایی در سال ۱۹۹۹ به پایتخت فرهنگی اروپا تغییر نام داد. (<http://europa.eu/scadplus/leg/fr/lvb/129016.htm>).

تعامل دوجانبه و چندجانبه نهادهای اروپایی به خصوص در مثلث کمسیون- پارلمان- شورای اروپایی به قدری نزدیک است که گاه شناسایی و تفکیک وظایف این نهادها را در عرصه فرهنگی بسیار دشوار می‌سازد. چه اینکه دست هر سه نهاد در ارائه

پیشنهاد به سایر ارگان‌های همکار باز است و همگی هدف مشترکی را دنبال نموده و در تصمیم‌سازی‌های کلی این حوزه غالباً اتفاق نظر دارند.

علاوه بر نهادهای اتحادیه، دیگر نهادهای مهم اروپایی نیز در زمینه فرهنگ فعال بوده و به نوبه خود در صدد فراهم نمودن بسترهای لازم برای همگرایی در این عرصه می‌باشند. مصداق این نهادها، مجمع پارلمانی شورای اروپا مستقر در استراسبورگ است که از طریق کمیته فرهنگ، علوم و آموزش - که خود دارای ۸۲ کرسی و چهار کمیته فرعی با عناوین کمیته‌های میراث فرهنگی، رسانه‌ها، جوانان و ورزش و علوم و اخلاق می‌باشد - به طور مستقیم در همکاری‌های علمی - فرهنگی اروپایی (داخلی و خارجی) سهیم است. این کمیته در سال ۱۹۵۴ با مشارکت ۴۷ کشور عضو، کنوانسیون با عنوان کنوانسیون فرهنگ اروپایی را تدوین و ارائه نمود که کماکان در چهارچوب عملی فعالیت‌های مربوط به فرهنگ و میراث فرهنگی شورای اروپا است (نظافت، ۱۷: ۱۳۸۳).

همگرایی اروپایی و تأثیر آن بر سیاست‌های فرهنگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا

مطالعه و بررسی برنامه‌های فرهنگی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که کشورهای عضو به جد در صدد تطبیق سیاست‌های فرهنگی خود با سیاست‌های کلان اتحادیه هستند. گواه این مدعا دگرگونی اساسی موضع فرهنگی این کشورها در اتخاذ سیاست‌های تکثرگرایانه و اجتناب و پرهیز از تعصبات گذشته است. راه اندازی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای چندزبانه اروپایی (نظیر شبکه دوزبانه آلمانی - فرانسه 'Arte')، فراهم نمودن تسهیلات برای زبان‌های اقلیت به ویژه در برنامه‌های رادیو - تلویزیونی، تضمین آموزش تاریخ به کودکان و نوجوانان اروپایی به شیوه‌ای هوشمندانه و به دور از تعصب، ارائه چهره‌ای مثبت از فرهنگ ملی و نه ارائه جهره‌ای برتر یا مخالف با دیگر فرهنگ‌ها (گورون، ۱۳۸۳: ۱۰۵)... همگی نشان از آن دارند که اروپای امروز به آن درجه از بلوغ فرهنگی رسیده است که آینده خود را از افق اتحاد به نظاره بنشیند.

همچنین رفته رفته شکاف‌های گذشته خود را پر نموده و طرح کلان یکپارچگی خود را ترسیم کند. برنامه‌هایی نظیر فرهنگ ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷، پایتخت فرهنگی و... که به تفصیل از آنها سخن راندیم نیز به تسریع این روند کمک فراوانی نموده و خواهند نمود.

در عین حال نگاه واقع بینانه به همگرایی و تأثیر آن بر فرهنگ‌ها نشان گر این حقیقت است که سیاست‌های همگرایانه گاه اجحاف‌هایی را برای برخی فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در پی داشته است. به عنوان مثال پیشی گرفتن فرهنگ انگلوساکسونی و زبان انگلیسی در سایه همگرایی، نگرانی‌هایی را برای کشورهای چون فرانسه و آلمان به دنبال داشته است. اما اینکه اتحادیه اروپا تا چه اندازه بتواند بر مشکلاتی از این دست فائق آید را گذشت زمان و وضعیت آینده این نهاد مشخص خواهد کرد.

مسئله دیگری که ذکر آن در پایان این مبحث ضروری به نظر می‌رسد این است که بررسی برنامه‌های فرااتحادیه‌ای اتحادیه اروپا که در قالب همکاری با کشورهای ثالث صورت می‌پذیرد گویای این مسئله است که هنوز اروپای فرهنگی دست به گریبان مسائل درون اتحادیه‌ای خود است و برنامه یکپارچه و مدونی را برای دنیای بیرون خود طراحی و تدوین ننموده است. این بدین معناست که دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا که در واقع هنر کاربست سیاست‌های فرهنگی خارجی است تا اتخاذ تدابیر مشترک و همسان راه داری را در پیش دارد. ❖

منابع:

الف) فارسی

۱. گوردون، کریستوفر، ماندی، سامون، (۱۳۸۳)، دیدگاه‌های اروپایی سیاست فرهنگی، ترجمه هادی غیرایی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
۲. مکتبی فرد، عبدالعلی (۱۳۸۱)، «تنوع فرهنگی و سازمان تجارت جهانی»، فصلنامه فرهنگ و دیپلماسی، تهران: اداره کل هماهنگی‌های امور فرهنگی وزارت خارجه، سال اول، شماره ۲، ص ۳۴۷-۳۴۹.
۳. نضافت، عزیز (۱۳۸۳)، *شورای اروپا*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

ب) منابع اینترنتی:

1. <http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/doc419-fr.html>
2. <http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/kaleidoscope.fr.html>
3. <http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/ariane.fr.html>
4. <http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/raphael.fr.html>
5. http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/prep_action.fr.html
6. http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/cult_2000/kaleidoscope.fr.html.
7. <http://europa.eu/scadplus/leg/fr/lvb/129016.htm>.

8. <http://ec.europa.eu/culture/our-programmes-and-actions/doc433-fr.htm>.
 9. <http://europa.eu/scadplus/leg/fr/lvb/129014.htm>.
 10. <http://ec.europa.eu/culture/portal/events/current/dialogue2008-fr.html>.
 11. <http://ec.europa.eu/culture/archive/culture2000/historique/act-connect-fr.html>.
 12. www.ambarfrance-ir.org.
- از سال ۱۹۹۸ ابتدا چهار دولت اتحادیه اروپا: آلمان، فرانسه، انگلستان و ایتالیا پروژه ایجاد فضایی اروپایی در زمینه آموزش عالی را آغاز کردند. سپس تعداد آنها به ۳۶ کشور (اروپای بزرگ) افزایش یافت. این پروژه ضمن حفظ نظام دانشگاهی خاص هر کشور در صدد تطبیق تدریجی این نظام‌ها با یکدیگر است. (Erasmus)
13. <http://www.europa.eu/activities/committees/homecom.do?language=FR&body=cult>.